

# شهر آرا محلات

دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از [SHAHRARANEWS.IR](http://SHAHRARANEWS.IR)

اهدای ۱۲ مجموعه جهیز به  
به همت نیکو کاران انصار الهادی (ع)

غرفه هنر کده هنرستان دخترانه عترت راه اندازی شد

بررسی ضرورت تشکیل بانک اطلاعاتی محله  
در نشست شورای اجتماعی محله طلاب

## عروسی خوبان

چهارشنبه‌ای که گذشت در خیریه محله طلاب به بهانه میلاد مبارک امام حسن  
عسکری (ع) جشنی خاص و ویژه برپا بود. اهدای ۱۲ مجموعه جهیزیه نوعروس و  
تازه دامادهای نیازمند و درعین حال آبرودار.

## ارزش آفرینی محله در «آسمان»

هفته گذشته هم‌زمان با افتتاحیه برج آسمان ۲، غرفه فروش هنر دست هنرجویان  
مدرسه دخترانه عترت محله ایشار، به عنوان نخستین غرفه فروش محصولات  
هنرستان با نام هنرکده هنرستان عترت در این مجموعه راه اندازی شد.

## آگاهانه به میدان برویم

سومین نشست نماینده‌های مردمی شورای اجتماعی محله طلاب در کانون شهید  
پل شکسته در حالی برگزار شد که رئیس شورابر ضرورت تشکیل و منسجم شدن فعالیت  
کارگروه‌ها تأکید کرد.



چند روایت از سی متری طلاب که به نام یک شهید شد  
از «شاه آباد» تا «مفتح»



shahraranews.ir



بررسی ضرورت تشکیل بانک اطلاعاتی محله در نشست شورای اجتماعی محله طلاب

## آگاهانه به میدان برویم

شوراهای اجتماعی، اگر مشکلی در حوزه عمران و آبادانی بود، آن موضوع نیز پیگیری خواهد شد.

### ● استفاده از تجربه‌ها

در ادامه نشست، نماینده کسبه در شورای اجتماعی محله با بیان اینکه یکی از معضلات و دغدغه‌های عصر حاضر مشکلات اقتصادی و موضوع بیکاری است، گفت: با استفاده از ظرفیت‌های شورا می‌توان در راستای کمک به افراد بی‌بضاعت و زنان سرپرست خانوار گام برداشت.

مسعود صدیقی پیشنهاد برگزاری کارگاه‌هایی چون پرورش و تولید قارچ، آموزش خیاطی، پرورش گل و... را در راستای اشتغال‌زایی خانگی داد و یادآور شد: در این محله که بافت تجاری پررنگی دارد، کاسبان خوش‌نام و کارآفرینی داریم که می‌توان روی تجربه آن‌ها حساب کرد و مطمئن هستیم که در این حوزه چیزی را دریغ نمی‌کنند.

### ● ویژه و رایگان

پیشنهاد مطرح شده باعث شد تازه‌جهانشیر، دبیر شورا، از پیاده‌شدن طرح‌های آموزشی «الفبای مهارت» و «آوای همت» در منطقه خبر دهد. وی گفت: در این طرح آموزش‌های ویژه و رایگان برای شهروندان در نظر گرفته شده است که تاکنون با استقبال همراه بوده است. جهانشیر از کارگروه‌ها خواست با توجه به مشخص بودن جامعه هدف، به شناسایی و آگاسازی برای برگزاری چنین کارگاهی در منطقه اقدام کنند.

داشته‌های منطقه و محله خودمان را استخراج کنیم و بشناسیم تا در گام بعد در راستای هویت‌بخشی به محله قدم برداریم. اصلاً هویت‌بخشی بدون آشنایی با افراد و جریان‌های تأثیرگذار امکان‌پذیر نیست. وی ادامه داد: شاید خیلی از ما هنوز از پدیده‌ای که در گذشته‌های نه‌چندان دور با عنوان یخچال و آب‌انبارهای قدیمی در منطقه بوده است، بی‌اطلاع باشیم. وقتی به‌عنوان نماینده شورا چیزی در این باره نماند، چطور می‌توانم انتظار هویت‌بخشی به محله را داشته باشم!

### ● معرفی ظرفیت‌ها

این عضو شورای اجتماعی ادامه داد: بی‌تردید هر کدام از ما به‌عنوان نمایندگان مردم ظرفیت‌هایی را می‌شناسیم که در تکمیل بانک اطلاعاتی می‌تواند مؤثر باشد. معرفی شخصیت‌های علمی، ورزشی، کسبه خوش‌نام، فعالان فرهنگی، مکان‌های ورزشی، کانون‌های فرهنگی و... در این راستا یاری‌رسان خواهد بود؛ اینکه به‌فرض بدانیم آمار ورزش کاران در این محله بیشتر از هنرمندان است و فعالیت‌ها و برنامه‌های شورا را در همان زمینه تنظیم کنیم. وی افزود: تهیه بانک اطلاعاتی این ارزش را دارد که بیشتر و قمتان را صرف‌گرددآوری موضوع‌های آن کنیم؛ چون بعد از این مرحله است که می‌توانیم به شیوه‌ای مؤثرتر در راستای هویت‌بخشی گام برداریم. دسترس‌یادآور شد: در خلال تحقیق و پژوهش در باره جمع‌آوری اطلاعات، ضمن آشنایی ساکنان محله با اعضای

سومین نشست نماینده‌های مردمی شورای اجتماعی محله طلاب در کانون شهید پل شکسته در حالی برگزار شد که رئیس شورا بر ضرورت تشکیل و منسجم‌شدن فعالیت کارگروه‌ها تأکید کرد. تشکیل بانک اطلاعاتی ظرفیت‌ها و فرصت‌های محله، برگزاری کارگاه تولید و پرورش قارچ و کارگاه‌های مشاوره ۳ طرح پیشنهادی در این نشست بود که به تصویب اعضا رسید.

در ابتدای این نشست حسینعلی زرنگ، رئیس شورا، با تأکید بر اهمیت وقت، تشکیل کارگروه‌ها و تعامل آن‌ها با مردم را یادآور شد. وی با تقسیم‌بندی کارگروه‌ها در حوزه‌های عمران و شهرسازی، آموزش و مشارکت‌های اجتماعی، سلامت و محیط‌زیست گفت: فرصتی تا پایان سال نمانده است و بهتر است کارگروه‌ها فعالیت خود را به‌طور جدی‌تر دنبال کنند تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

### ● تشکیل بانک اطلاعاتی

در ادامه نماینده تشکیل‌ها از ضرورتی یاد کرد که نماینده‌های شورا در همه محله‌ها با آن درگیرند و آن موضوع شناسایی ظرفیت‌ها و تشکیل بانک اطلاعاتی است؛ اینکه باید در هر زمینه‌ای که قدم بر می‌داریم، اساس کار ما اطلاعات صحیح و معتبر باشد. دسترس گفت: در گام اول باید ظرفیت‌ها و



خبرنگار شهرآرامحله منطقه

جلسات مردمی با حضور نماینده‌های شورا در مساجد منطقه برگزار شود تا اعضا از تجربه دیگران استفاده کنند

## ما را شریک تماشای گذشته کنید

### حرف اول



معصومه فرمانی‌کیا دبیر شهرآرامحله

اولین چیزی که بیین هیتتی‌های محله به چشم می‌آید، قاب‌عکس‌هایی است که یک‌روبان سیاه‌دور آن‌چنبره‌زده است و دل‌رازخم می‌زند. در مسجد، حسینیه و حتی خانه خودمان روبان سیاه‌قاب تا ابد دلم راریش می‌کنند. در قایی که جوانی لیخندت‌راز دست‌بردزمان حفظ می‌کند، ۱۰ سال دیگر هم که بگذرد، همین تبسم کش‌داری است که هیچ‌کس نمی‌تواند کاری با آن بکند. چه خوب است که آنجا زمان دستش به تو نمی‌رسد و هیچ‌وقت در آن چهارچوب پیر نمی‌شوی. حاجی را در مسجد و به بهانه یک گزارش میدانی می‌بینم. یکی از هیتتی‌ها و برادر شهید است، نانوا هم بوده است و حالا چشم‌هایش قوتشان را از دست داده‌اند و پاهایش بدتر از آن...

چند قدم بیشتر نمی‌تواند بردارد. هر چه تلاش کند فقط می‌تواند تاسر کوچک‌چوچه برود و برگردد که خودش به آن می‌گوید «میلان».

اصلاً از این قرتی‌بازی‌ها خوشش نمی‌آید که لفظ قلم حرف بزند و می‌گوید: «از وقتی بر ایمن قانون و قاعده گذاشته‌اند، روزگار مان این شده است.»

گفت‌وگو با حاجی، جان می‌دهد برای گزارش محله. او چند آلبوم قدیمی دارد که یکی از آن‌ها را همراهش آورده است. بعضی از عکس‌ها در پلاستیک فریزر چسب کاری شده‌اند تا بهتر بمانند. دوباره همان حرف را تکرار می‌کند: «چشم‌هایم سوندند. ببین این یکی را می‌بینی. انگشت گذاشته است روی سریکی که اورکت سبز رنگی به تن دارد، تا مشخصاتش را می‌فهمد داد می‌زند، پسر فلانی بود، شهید شد نه اینکه خیال کنی این یکی است، جوان‌های زیادی از زیر قرآن رد شده و رفته‌اند و دیگر برگشته‌اند. نه این کوچک، همه کوچک‌ها همین‌طور هستند.»

آلبوم‌ها را ورق می‌زند. عکس‌های کهنه، سیاه‌وسفید و ترک‌خورده، گذری بر رحم‌زمان را شیرین می‌کند. پیر مرد تند و بی‌امان ورق می‌زند، شاید از فرط تکرار به نگاه‌کردن نشان عادت کرده است و دوباره انگشش ذوق‌زده می‌نشیند روی یکی از آن‌ها: «این که می‌بینی نذری‌پزان محرم است.» چشم‌هایش را ریز کرده است، ۱۰ سال از آن روز نگذاشته است، اما خیلی از آدم‌های محله چمدانشان را بسته‌اند و برای همیشه رفته‌اند.

بدی‌قصه این است که هر سال تکرار می‌شود، یکی که می‌رود پشت خیلی‌ها خم می‌شود. شاید به چشم نیاید. این حرف را که می‌زند دور چشم‌ها و نوک بینی اش سرخ می‌شود. شاید تنهایی روزهای کوتاه ابری و کش‌دار پاییز به یادش می‌آید که ناگاه و بی‌مقدمه می‌گوید: «از زمستان بیزارم، مثل قبرستان می‌ماند، چشم می‌کشم تا بهار بیاید.» نمی‌دانم در گذشته چه سری است که یاد و تکرارش شیرین است، حتی اگر حرف از جای خالی و نبودن‌ها باشد. حاجی هم هنگام حرف‌زدن از آن، چشم‌هایش می‌درخشد و مثل یک تیله براق شفاف می‌شود.

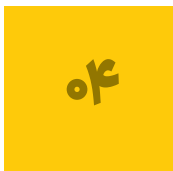
می‌دانم زمان دور یک دایره نمی‌چرخد. زمان روی یک خط مستقیم می‌دود. باورم شده است زمان گذشته بر نمی‌گردد و آدم‌هایی که رفته‌اند بر نمی‌گردند. آن‌ها که یک خفرو بزرگ در دل‌مان گذاشته‌اند و جایش که پر نمی‌شود هیچ، روز به روز عمیق و عمیق‌تر می‌شود. نه افسوس و نه اصرار بر این خط مستقیم تأثیری ندارد. دنیا کار خودش را می‌کند. می‌دانم در اتاق‌ها، کنج‌گنجه‌ها و حتی ته‌صندوقچه‌تک‌تک‌خانه‌های شما پر از آلبوم‌های خاک‌گرفته است، پر از عکس‌های کهنه سیاه‌وسفید و رنگ‌ورورفته از روزگاری که صاحبان عکس‌ها از ته‌دل خندیده‌اند؛ شاید به همان واژه‌سببی که به مزاح گفته شده است. این عکس‌ها برای خیلی‌ها مرهم بزرگی است و خرسندشان می‌کند. خوشحال می‌شوم برای تماشای گذشته‌ها را هم شریک کنید. ■

دریافتی به قلم دوربین

## پنجشنبه‌بازار در «انقلاب»

سراسر از هنر و ذوق. پنجشنبه‌بازار با ارائه محصولات هنری و دست‌ساز، جایگاه ویژه‌ای بین مخاطبان فرهنگ‌سرا پیدا کرده است. تا آن اندازه که مخاطبان بعد از اجرا و برگزاری برنامه، حتماً وقتی را به تماشای آن اختصاص می‌دهند. شما را هم به دیدن و تماشای آن دعوت می‌کنیم؛ وعده ما پنجشنبه در فرهنگ‌سرای انقلاب. ■

بازار خوداشتغالی فرهنگ‌سرای انقلاب هر پنجشنبه میزبان مردم است. علاوه‌بر بازارهای محلی مانند شنبه‌بازار مجاور بوستان بسیج، متولیان فرهنگ‌سرای انقلاب بازاری را تدارک دیده‌اند که پذیرای بانوان هنرمند است؛ بانوانی



موتولیان فرهنگ‌سرای انقلاب بازاری را تدارک دیده‌اند که پذیرای بانوان هنرمند است؛ بانوانی





غرفه هنرکده هنرستان دخترانه عتروت راه اندازی شد

## ارزش آفرینی محله در «آسمان»

۳  
سیرجانی

برگزار شد. دیدار با بانوان، کارآفرینان موفق، حضور در کارگاه‌های کارآفرینی با موضوع‌های تربیت مالی فرزندان، بازدید از کارخانه‌های منتخب و... از جمله برنامه‌های آموزشی‌ای بود که برگزار شد. در ضمن عتروت تنها هنرستان فنی و حرفه‌ای استان است که بین هنرستان‌های فنی به‌عنوان کارآفرین انتخاب شده است.

● چرا از ظرفیت و بازارهای منطقه در این راستا استفاده نکردید؟  
حقیقتاً تنها ظرفیت منطقه، بازار ایشار بود که با توجه به اینکه قرار است تولیدات سنتی و هنری ارائه شود، مناسب کار ما نبود.

● بازار فردوسی چگونه است؟  
خیلی تمایل داشتیم به قول شما یکی از بازارهای منطقه به این موضوع اختصاص یابد، اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد؛ چون حمایتی از آن نشد.

● استقبال از غرفه به چه میزان است و پیش‌بینی شما چیست؟  
خوشبختانه چون افتتاح غرفه هم‌زمان با افتتاح مجتمع تجاری آسمان ۲ شد، استقبال بسیار خوب بود. به‌ویژه که بزرگوارانی چون دکتر صالحی، وزیر ارشاد، آقای بابایی، مدیر کارآفرینی و معاون توسعه اداره کار استان، جناب کلایی، شهردار مشهد، جناب بهراد، رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۵ مشهد، و... با بازدید از هنرکده عتروت مایه دل‌گرمی بیشتر ما به ادامه این راه شدند. استقبال مردمی هم خوب پیش‌بینی می‌شود؛ چون محدوده بازار ۱۷ شهر بزرگ‌ترین پذیر است، از سویی محصول ارائه شده کارهای هنری است.

بودم. در واقع در راستای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و با تأکید بر رعایت اخلاق حرفه‌ای، تصمیم به راه‌اندازی بازاری از این دست گرفته شد که یک‌سال فعال خواهد بود.

● فکر می‌کنید چه تأثیری بر هنرجویان خواهد داشت؟  
بچه‌ها با توجه به آموخته‌ها، دست‌سازها و تولیدات خود را در معرض تماشای و فروش می‌گذارند و این موضوع اشتیاقشان را برای ادامه کار بیشتر می‌کند، آن هم در حالی که شعار سال تحصیلی مهارت‌آموزی و مشارکت‌ورزی و کارآفرینی است.

● این شعار چقدر در پیگیری و پیاده‌کردن طرح نقش دارد؟  
به‌طور کلی با توجه به اهمیت منویات مقام معظم رهبری، همچنین شعار سال تحصیلی جاری، بر آن شدید گامی هر چند کوچک در این مسیر برداریم.

● در راستای محقق‌شدن این موضوع، اولین بار فضای کارآفرینی در هنرستان را با فضای بازار و مراکز تجاری تلفیق کردیم تا فکرها و خلاقیت هنرجویان در عرصه اقتصادی به‌طور واقعی تحقق یابد و از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل شود.

● جامعه هدف شما چه قشری بودند و برای رسیدن به هدف و برپایی غرفه چه اقداماتی صورت گرفت؟  
جامعه هدف ما در این پروژه همه‌علاقه‌مندان به بحث کارآفرینی و مهارت‌های کسب‌وکار هستند. در این راستا ۶ جلسه کارگاهی با حضور معاونان، دانش‌آموزان و جمعی از اولیای آنان در محل مرکز فنی و حرفه‌ای ارم

هفته گذشته هم‌زمان با افتتاحیه برج آسمان ۲، غرفه فروش هنر دست هنرجویان مدرسه دخترانه عتروت محله ایشار، به‌عنوان نخستین غرفه فروش محصولات هنرستان با نام هنرکده هنرستان عتروت در این مجموعه راه‌اندازی شد.

هنرستان عتروت یکی از مجموعه‌های پویا در رشته‌های مختلف هنری است که تا به حال در نمایشگاه‌های مختلف شرکت کرده است و از آن استقبال شده است. ویلا اورلی، مدیر پرتلاش هنرستان عتروت، این بار شیوه‌تازه‌ای پیش گرفته و غرفه‌ای را برای فروش تولیدات هنری در برج آسمان و کنار دیگر هنرمندان مشهدی به هنرجویان عتروت اختصاص داده است، اما اینکه چرا این اقدام را در محدوده جغرافیایی منطقه خودمان انجام نداده است، جای پرسش دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

● خانم اورلی! درباره پروژه هنرکده هنرستان دخترانه عتروت و اهداف از راه‌اندازی آن توضیح دهید.  
غرفه محصولات دست‌ساز هنرجویان هنرستان دخترانه عتروت، نخستین غرفه فروش هنر دست دانش‌آموزان است که با رویکرد گسترش کارآفرینی و حذف واسطه‌گری هم‌زمان با هفته جهانی کارآفرینی، به‌طور رسمی شروع به کار کرد.

افزایش مهارت در کسب‌وکار، تقویت قدرت ریسک‌پذیری هنرجویان در بازار، تمرین مشتری‌مداری و تکمیل ارباب‌جو، برخورد مشتری‌محور و شناخت بازار کار در همین راستا هدف ماست. از تابستان پیگیری این موضوع و به‌دنبال فضای مناسبی برای انجام کار

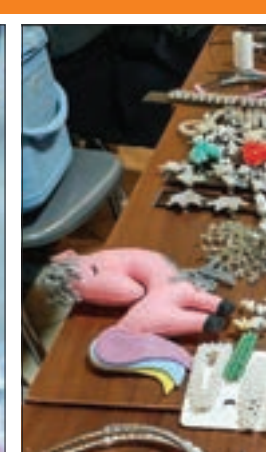
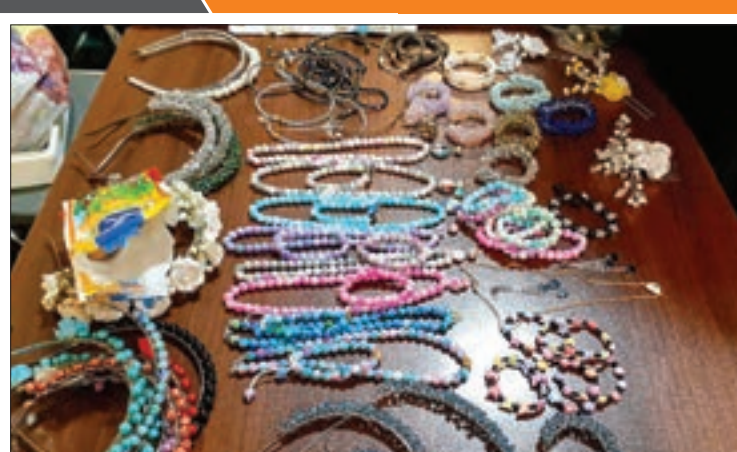


### ● استفاده از ظرفیت

دغدغه اختصاص فضایی برای بهره‌مندی از آموزش‌ها، موضوعی بود که رئیس شورا را به پاسخ‌و‌اداشت و گفت: فرهنگ‌سرای انقلاب از جمله ظرفیت‌های خوب منطقه است که با توجه به فضای آموزشی و سالن مناسبی که دارد، می‌شود برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی از آن استفاده کرد. زرننگ با اشاره برگزاری هفتگی جلسات آموزشی هم‌رشد در این مجموعه افزود: عمده فعالیت این گروه تلاش برای رشد باورها، بالابردن اعتماد به‌نفس و خودباوری و شناسایی توانایی‌ها و استعداد‌های فردی است که محقق‌شدن این امر، تحولات اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

### ● آرامش در خانواده با کمک شورا

نماینده ساکنان محله نیز با اشاره به مشکلاتی که امروز گریبان‌گیر بیشتر خانوارهاست، بر آموزش‌هایی با نتایج زودبازده تأکید کرد. وی مشکلات والدین در ارتباط‌گیری با نوجوانان و جوانان، اعتیاد، خشونت و... را از جمله دلایل نداشتن مهارت‌های ارتباطی یاد کرد. حسن محمدپور برگزاری کارگاه‌های آموزشی ارتباط مؤثر، تربیت‌فرزند، کنترل خشم، اعتماد به‌نفس، خودباوری و... را با حضور استادان و مشاوران خبره پیشنهاد داد و گفت: شورا با استفاده از امکانات، تعاملات و ظرفیت‌هایی که دارد، بعد از شناسایی جامعه هدف، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، آرامش را بر زندگی خانواده‌های ساکن در محله حاکم کند. در ادامه دبیر شورا از اعضا خواست رأی خود را به موضوع‌های مطرح شده اعلام کنند. در پایان، اعضای شورا موضوع بانک اطلاعاتی رایک‌بار دیگر طرح کردند و قرار شد برای آغاز کار، فرم‌های مخصوص تحقیقاتی آماده‌شده در اختیار اعضا قرار بگیرد.





shahraranews.ir

چند روایت از سی متری

# از «شاه آباد»

گل دفتر

۵۶

معصومه فرمانی کیا  
دبیر شهرا محله

بعضی از خاطره‌ها با همه سادگی، با چنان وضوح و طراوتی در ذهن ثبت می‌شوند که به یاد آوردن و روایت کردنشان کمتر از سفری کوتاه و ملموس نیست. روایت این هفته سفری به گذشته محله‌ای است که این روزها بازار پرطمراقتش را کمتر کسی است که نشناسد؛ سی متری طلاب با زرگری‌های تنگاتنگ و

مغازه‌های آینده‌شمعدان‌های اشراق و رنگارنگ و مارک‌دار، حکایت حرف‌هایشان خالی است؛ آن‌ها که می‌گویند خیلی وقت است بار بار هنوز کسانی هستند که ما را به سی متری طلاب نام قدیم خیابان

بافت مذهبی شهر بود. این محدوده امکاناتی نداشت و در زمان انقلاب حساسیت‌های رژیم بیشتر بود. اطراف طلاب بیشتر خاوری‌ها ساکن بودند که جمعیتشان هنوز هم در این محدوده زیاد است. البته بعدها مهاجران هم به جمعیت منطقه اضافه شدند. قبلاً بازار منطقه در چهارراه سیلو و برق بود. بازار که می‌گویم نه اینکه گمان کنید مثل حالا این قدر با تشریفات و امروزی‌تای آن اندازه‌ای که مردم بتوانند مایحتاجشان را تهیه و تأمین کنند. در هر میلان ۲، ۳ مغازه بود و خیابان دریا که حالا به وحید معروف است خاکی بود. بین ما قدیمی‌ها همان اصطلاحات

پوست و چرک را با هم می‌گرفتند. **بازار عروس و دامادها** شیدا از ورزش کاران گود کشتی است و ناخوش احوال است، اما باز هم دعوتان را رد نمی‌کند. خانه او در یکی از کوچه‌های مفتوح است. شیدا ۶۵ سال دارد و بیش از ۵۰ سال است که ساکن همین محله است. او تعریف می‌کند: اوایل خانواده‌ها یک جا ساکن می‌شدند. مثلاً در یک کوچه اعضای یک خانواده بودند که ازدواج کرده و تشکیل زندگی داده بودند. او ادامه می‌دهد: به علت سکونت طلبه‌ها، این قسمت

از آنجا برایمان تعریف می‌کند که متولد روستای فرخند است و خدا ۱۰ فرزند به او داده است. حاجی خاکی متولد ۱۳۱۴ است و از سال ۱۳۳۹ ساکن این محله است. او جزو اولین هیئت امنای مسجد است. حاجی یادش می‌آید سال ۱۳۴۰ یا ۴۱ سی متری طلاب صاف شد و خودرو و یک‌قرانی وارد محله شد و اهالی کلی ذوق زده شده بودند. زمستان پر از برف کهنه و نویی بود که روی هم تلنبار شده بود و تراکم برف تا اندازه‌ای بود که بعضی وقت‌ها می‌چوب بودند تونل بزنند. برف گاه آن قدر متراکم بود که همه چیز را سفید نشان می‌داد، به جز نوک شاخه‌هایی که بین آن همه حرف از مسجد که می‌شود، تعریف می‌کند: ساختن آن به سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب برمی‌گردد، زمانی که آیت... فقیه سبزواری پیش قدم شد و مردم هم کمک کردند و مسجد پا گرفت و روز به روز رونق آن بیشتر شد و در سال‌های نزدیک به ۵۷ به یکی از پایگاه‌هایی تبدیل شد که طلاب و اهالی علیه نیروهای شاه قیام کردند. او می‌گوید: خیلی از شب‌های حکومت نظامی با اینکه تهدید کرده بودند مغازه تعطیل شود، در مغازه می‌ماندم و هر بار مأموری مراجعه می‌کرد، طوری وانمود می‌کردم که انگار از چیزی خبر ندارم. لامپ‌های که سردر مغازه نصب کرده بودم به کوچه روشنایی می‌داد.

**زرگری از اینجا شروع شد** محمدرضارقایی، زرگر و مدیر اتحادیه صنف زرگران و متولد ۱۳۲۵ است. زندگی او هم فرازونشیب زیاد دارد که به وقتش تعریف می‌کنیم. چیزی‌هایی که از گذشته به یاد دارد و جوه مشترک زیادی با حرف‌های دیگران دارد و از تکرار دوباره آن‌ها صرف نظر می‌کنیم. او تعریف می‌کند: آن زمان که به اینجا آمدم به آن چهارراه عباسی می‌گفتند. یک مغازه طلا فروشی بیشتر نبود. آقای یادگار پور از نخستین کسانی است که اینجا طلا فروشی داشت. چند برادر در این کار بودند که ۲ تا از آن‌ها به رحمت خدا رفته‌اند، اما یکی از آن‌ها هست. یادگار پورها هم اول سازنده طلا بودند و بعد فروشنده شدند. من با ۲۰۰ هزار تومان این کار را شروع کردم. با آن پول، طلا خریدم و در مغازه کوچک شروع به کار کردم و کم‌کم مشتری‌ها اعتماد کردند و بازار به اصطلاح گرفت. بقیه هم به گمان اینکه زرگری خیلی پردرآمد است، وارد کار شدند. الان ۱۲۰ مغازه طلا فروشی در سی متری هست.

رقایی هم این موضوع خوب به یادش مانده است که اینجا را قدیم شاه‌آباد می‌گفتند و تعریف می‌کند: آیت... فقیه سبزواری زمین‌ها را بین طلاب تقسیم کرد و آن‌ها ساکن شدند و کم‌کم در محاوره به محله شیخ‌ها یا همان طلاب معروف شد. در خیابان درشکه و گاری و

اسب بود و همان اندک خودرویی هم که بود، برای اهالی تماشاایی و جالب بود. راه آهن هنوز خرابه بود و داشتند ریل گذاری می‌کردند. از میلان اول تا آخر آن چند گرمابه وجود داشت که صاحبانش از خیران و ثروتمندان محله به حساب می‌آمدند؛ حمام دولتشاهی، گرمابه حسینی و قادری. آدم‌های گذشته اعتقاد داشتند روزی را قبل از طلوع آفتاب می‌دهند و به همین دلیل قبل از اذان صبح بیدار بودند. اصلاً روال زندگی آدم‌ها با حالا کلی فرق می‌کرد؛ آن‌ها سرشب خانه بودند. خانواده‌هایی که قصد استحمام داشتند، آفتاب که می‌زد، بقیچه‌ای را که آماده کرده بودند، برمی‌داشتند و به راه می‌زدند. می‌گفتند قبل از آن حمام جای از ما بهتران است. یادش بخیر، دلاکان

**روزگار قصه‌های دیو و پری** روزگاری خانه‌های این محدوده کم و بادیاوارهای خشکی و سقف‌های چوبی بودند. استاد‌های بنا معتقد بودند آهن زنگ می‌زند و دوام چوب بهتر از آن است و بیشتر سقف‌ها چوبی زده می‌شد که مقاوم و محکم بود. خانه‌ها نه آب داشت و نه برق و سرمایه‌زبانان هم استخوان سوز بود؛ زمین‌های کشاورزی اطراف که از آن گندم و برخی از سیفی جات برداشت می‌شد، با بیابان‌های لخت و عور، سردی هوا را بیشتر می‌کرد. آدم‌ها شب‌های بلند زمستان را در نبود رادیو و تلویزیون با قصه‌های دیو و پری سر می‌کردند. وقتی بی‌بی قصه می‌گفت، صدای هوهوی باد همه جا می‌پیچید. سگ‌ها هر چند لحظه یک بار عوعو می‌کردند و حتی زوزه شغال‌ها در دوردست شنیده می‌شد. ما نگران دیوی بودیم که بی‌بی قصه‌اش را تعریف می‌کرد و در ظلمات شب هر آن منتظر بودیم که از کمین بیرون بیاید.

**تشریفاتی نبود** تعداد دکان‌ها مثل خانه‌ها خیلی کم بود. دکان‌دارها هر روز صبح هنگام بازکردن مغازه‌ها زیر لب «وان یکاد» و «چهارقل» و «آیت الکرسی» می‌خواندند و به گوشه آن فوت می‌کردند تا کاسبی شان رونق داشته باشد. مغازه‌ها شیک نبودند، خیلی که مجهز به نظر می‌رسیدند، خلاصه می‌شدند به قفسه‌هایی با طاقه‌های پارچه و آینه‌های قدی که لباس تتمان را می‌توانستیم تمام قد ببینیم. صاحب دکان‌ها خیلی که ذوق داشتند یک کت به اصطلاح خوش دوخت را تن مانکن نیم تنه داخل مغازه می‌کردند. اتوهای زغالی برای سرخ‌شدن زغال و از بین رفتن گازشان جلو مغازه ردیف می‌شد.

فصل زمستان حدود ۵ عصر چراغ‌های دکان‌ها روشن می‌شد. خیلی‌ها به علت کوتاهی روز، ترجیح می‌دادند در مغازه بمانند و ناهار را همان جا بخورند. روی بخاری‌های نفتی و علاءالدین کتری آب زوزه می‌کشید. اواخر زمستان که به عید نزدیک می‌شد، اوضاع کلی فرق می‌کرد؛ از همان زمان‌ها اسفند روزهای سرخوشی مغازه‌دارها بود. سروکله مشتری‌های ریز و درشت پیدا می‌شد و مغازه‌دارها شنگول و سرحال می‌شدند. صدای رادیو را بلند می‌کردند و خیلی‌ها ایشان آواز می‌خواندند. آثار رونق مغازه‌ها کم‌کم حس می‌شد. کاروبار یک نفر که می‌گرفت، اقوام و خویشان هم دست به کار می‌شدند و شبیه همان کار را انجام می‌دادند. اصلاً نفهمیدم کی یک بازار بزرگ و معروف پا گرفت، آبادی کم‌کم آمد و سی متری به مفتاح تغییر نام یافت. این‌ها را از بین گفت‌وشنودهای اهالی خلاصه کردم. هیچ چیز لطف شنیدن حرف‌های قدیمی‌ها را ندارد؛ آن‌ها که شاید به علت کم‌حوصلگی دوران کهن سالی، مشتاق به صحبت

کردن نباشند، اما حرف از گذشته که می‌شود، چشم‌هایشان می‌درخشد و معلوم است روایت گذشته برای آن‌ها هم شیرین است.

**حکایت حاجی خاکی و مسجد سبزواری** نام حاجی خاکی را در کتاب خاطرات بابا نظر دیده بودیم. کله‌پزی حاجی خاکی چند قدم با مسجد فقیه سبزواری فاصله دارد و مشتری‌هایش هنوز هم کم نیستند. سنی از او گذشته است و بچه‌ها کار را به دست گرفته‌اند و هر صبح مغازه را باز می‌کنند و به مشتری‌ها سرویس می‌دهند، اما حاجی هنوز هم نظارت دارد. می‌گوید: «در قدیم این مغازه هم کله‌پزی بود و هم کبابی.»



علاوه بر خطوط بی آر تی که دسترسی مردم را از نقاط مختلف شهر به این محدوده ساده کرده اند، خطوط بی شماری از اتوبوس رانی، سفرهای درون شهری این محدوده را انجام می دهند.  
مترو: ایستگاه مفتوح خط ۲ قطار شهری حمل و نقل مسافران را به هسته مرکزی

شهر آسان کرده است. این مسیر قبل از این تشریحی به مسافران سرویس دهی می کرد و اکنون تا شهید کاوه ایستگاه دارد.  
ون: علاوه بر این ها بخشی از مسافران با ون ها جا به جا می شوند. تردد این خطوط نیز تا هسته مرکزی شهر است.

## طلاب که به نام یک شهید شد

# «تا» مفتوح

فی و شیک، لباس های جورواجور شیرینی دارد. جای بزرگ ترها و که قاب عکس های دورمشکی شان سفر بسته و از دنیا رفته اند، اما شنیدن تاریخ آن روزها میهمان ن مفتوح است. هنوز هم خیلی ها

با همین نام نشانی می دهند. خیابان مفتوح این روزها جمعیت زیادی دارد. کوچه ها یا همان میلان هایی که هنوز هم در محاوره و گفت و شنودهای اهالی مرسوم است، به نام شهید است؛ مفتوح ۱۷ برادران شهید رفیع زاده، مفتوح ۱۹ شهید محمدرضا گلزاری، مفتوح ۲۰ شهید ابوالفضل اشتر، مفتوح ۲۱ شهید محمدجواد مولوی و... تعداد و نامها فراتر از این حرف هاست. با ما همراه شوید تا روایت ساکنان قدیم را بخوانید.

حمام عمومی که نوبت های زنانه و مردانه مشخص بود و بعدها نمره شد.  
او ادامه می دهد: خدا رحمت کند مرحوم دولتشاهی و قادری را که از سرشناسان و معتمدان محله بودند. افرادی که دست به خیر داشتند، زیاد بودند. حاج آقای کریمی که روحانی بودند و حاج آقای کهنسال، حاج ماشا... محراب (پدر شهید محراب) که سوپر داشت و خیلی های دیگر که نامشان به یاد مانده است، اما از آن قدیمی های مخلص بودند. چهارراه عباسی که هنوز خیلی از قدیمی ها این نام را مخصص به آن می دانند، به محدوده بعد از خیابان دریا

گذشته رایج و مرسوم است؛ اینکه کوچه ها را با میلان نام ببریم، میلان دوم و سوم و... کم کم بازار به سی متری انتقال یافت و دسترسی ها هم ساده و راحت شد. روستایی های زیادی خرید عروسی شان را از اینجا می کردند و خانوادگی برای خرید می آمدند. حالا انگار از مُد افتاده است، اما هنوز هم یکی از بازارهای مطرح شهر برای خرید عروسی است. شاید برایتان تعریف کرده اند که در این محدوده چند گرمابه بوده است. پادم نیست حمام دولتشاهی میلان چندم بود، اما حمام قادری به دلیل اینکه خودمان از مشتری هایش بودیم، در میلان دوازدهم دقیق پادم هست.



حاجی خاکی

(و حید) می گویند که مربوط به حاج عباس اسماعیلی بود. مرد باهوش و متمولی که گنابادی بود و تمام املاک را خریده بود و به همین نام هم ماندگار ماند.

### ● احیای گود کشتی

شهید می گویند: از میلان دوازدهم که مربوط به گرمابه قادری بود، بقیه میلان ها خاکی و بیابان بود و به سمت گلشور و کوره پزی ها می رفت که از دهه ۵۰ تعطیل شده بودند و بعد ها آسفالت شد و کم کم گلشور را هم چون قبرستان عمومی بود، تبدیل به پارک کردند که حالا با نام بوستان بهشت معروف است. گود کشتی با جوخه از بهترین تفریحات ما در روزهای جمعه بود که آخر مفتوح و گلشور قرار داشت. بین همان خاک و خاشاک، دوستداران کشتی جمع می شدند و قندی می گذاشتند و کشتی می گرفتیم که حالا بعد از ۴۰ سال احیا شده است.

وی در ادامه درباره تغییر نام سی متری طلاب به مفتوح هم می گوید: اینکه چرا نام شهید مفتوح را بر آن گذاشته اند، برمی گردد به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که دکتر مفتوح ترور شد و مصوبه شهرداری بود که نام شهید روی این محدوده گذاشته شود. تا آن زمان هنوز ۲ طرف خیابان جوی آب بود. انقلاب که شد آبادی کم کم به طلاب آمد. خیابان سی متری قبلا دو طرفه بود و بعد طرح دادند که قرار است یک طرفه شود. اول کسبه با این طرح مخالفت کردند، به گمان اینکه ارتفاع بولوار میانی را بالا می برند و رفت و آمد عابران سخت می شود، اما نزدیک به ۱۵ سال است این طرح اجرا شده است و خوشبختانه همه رضایت دارند. البته تا صدمتری به نام مفتوح غربی است و بعد از صدمتری مفتوح شرقی شروع می شود.

خلاصه اینکه طولی نکشید که تعداد مغازه ها زیاد شد؛ لباس عروس و داماد، و وسایل سفره نامزدی و عقد، زرگری و کیف و کفش و لوازم خانگی های شیک و حالا هر چه بخواهید در این بازار می توانید پیدا کنید.

### ● کوچه ای که گلستان است

صفر نجاتی یکی دیگر از قدیمی هاست. متولد سال ۲۱ است، بیش از ۵۰ سال است ساکن مفتوح ۲۰ است. او می گوید: خانه ام را ۲۰ هزار تومان خریدم. باورتان می شود؟ و بعد تعریف می کند: این کوچه را همه به نام گلستان می شناسند و معروف به همین نام است. وجه تسمیه و علتش را نمی دانم. شاید برگردد به تعداد زیاد شهدای این کوچه که بیشتر خانه ها شهید دارد.

حاجی نجاتی حرف هایش مشابه دیگر قدیمی هاست. بین گفته هایش اشاره به داروخانه مرکزی تازگی دارد و تعریف می کند: اولین داروخانه این منطقه در سی متری بود. ملکش مربوط به حاج غلامرضا اکبری است که به داروخانه تحویل داد. آن زمان تا کسی می فهمید اینجا داروخانه باز شده است، شروع به تمسخر می کرد که کی سراغ دارو می رود! اما کم کم رونق گرفت. هر شغلی که رونق می گرفت دیگران هم می خواستند تجربه اش کنند و مثل قنادی های اطمینان و فرد باشکوه که از قدیمی ها هستند. این طور شد که سی متری یکی از بازارهای معروف مشهد شد.

حاجی نجاتی از دکتر شیخ هم زیاد شنیده است؛ اینکه بالای گرمابه دولتشاهی بیماران کم بضاعت را ویزیت می کرده است، اما خودش سراغ شیخ نرفته است و باخنده می گوید: نانوا بودم و دست و پالم پر بود.

روایت کردن آن خانه ها بعد از سال ها که پنجره های چوبی اش به حیاط مشرف می شد و زن ها با چادر کودری به خیابان می آمدند تا خریدی انجام دهند، خیلی سخت است، اما مطمئن هستیم هنوز هم هستند کسانی که خاطرات مسحورکننده ای از این بازار دارند و از قلم ما افتاده اند.

## شهید مفتوح که بود

محمد مفتوح در ۱۳۰۷ ش در خانواده ای روحانی در همدان به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاجت الاسلام حاج محمود مفتوح، یکی از واعظان مخلص بود و در ادبیات فارسی و عربی تبحر فراوانی داشت. او از کودکی در محضر پدر به فراگیری ادبیات پرداخت و پس از گذراندن دوره دانشگاه، علاوه بر تدریس در حوزه، به تدریس در دبیرستان های قم پرداخت. وی در ۲ سنجر دبیرستان و حوزه از همان آغاز سعی در روشنگری دانش پژوهان داشت و کلاس هایش را مرکزی برای آموزش جوانان در راستای مبارزه با رژیم قرار داده بود. حتی در راستای ایجاد تشکل و سازمان دادن به طلاب و فضلا، دست به تشکیل مجمعی به نام «جلسات علمی اسلام شناسی» زد که این مجمع فعالیت وسیعی به منظور شناساندن چهره اصلی اسلام در جامعه آغاز کرد. ساواک که پی به نقش مؤثر این مجمع در شناساندن اسلام راستین برده بود، آن را تعطیل کرد. شهید مفتوح بعد از تبعید امام (ره) مبارزات خود را شدت بخشید. ساواک هم با دستگیری های متعدد و ممنوع المنبر کردن ایشان نتوانسته بود کاری از پیش ببرد. مبارزه دکتر تا رمضان سال ۱۳۵۷ که نهضت به رهبری امام خمینی (ره) اوج گرفته بود، همچنان ادامه داشت. آخرین مسئولیت وی، سرپرستی دانشکده الهیات و عضویت در شورای گسترش آموزش عالی کشور بود که به نحو شایسته آن را انجام می داد. آیت... مفتوح، پس از عمری تلاش و جهاد مستمر و خستگی ناپذیر در راه تبلیغ دین، ۲۷ آذر ۱۳۵۸، هنگام ورود به دانشکده الهیات از سوی عناصر منحرف گروهک فرقان هدف گلوله قرار گرفت و به فیض عظیم شهادت نایل شد و با تشییع باشکوه در قم به خاک سپرده شد.

مساجد	
مسجد آیت... فقیه سبزواری	شهید مفتوح ۴
مسجد امیرالمؤمنین (ع)	شهید مفتوح ۳۴
مسجد المهدی (عج)	شهید مفتوح ۱۷
مسجد امام سجاد (ع)	شهید مفتوح ۳۰
کانون های فرهنگی و هنری	
کانون نور ولایت	شهید مفتوح ۴ مسجد فقیه سبزواری
کانون اشرفی اصفهانی	شهید مفتوح ۳۰ چهارراه چهارم
مراکز درمانی و بهداشتی	
بیمارستان هاشمی نژاد (دولتی)	شهید مفتوح ۱۴
کلینیک دندان پزشکی فردا (خصوصی)	شهید مفتوح ۲
داروخانه ها	
داروخانه دکتر تقی پور (شبانه روزی)	نرسیده به شهید مفتوح ۲
داروخانه دکتر بدیع	شهید مفتوح ۱۱
داروخانه دکتر شیرازی	شهید مفتوح ۵
داروخانه دکتر محمدی	شهید مفتوح ۳
داروخانه مرکزی	حدفاصل شهید مفتوح ۱۵ و ۱۷
مدارس	
مدرسه ابتدایی و دخترانه زهره بنیانیان	شهید مفتوح ۲
مدرسه راهنمایی دخترانه آزاده	شهید مفتوح ۲
مدرسه ابتدایی دخترانه غزالی	شهید مفتوح ۲۴
دبیرستان دخترانه بنت الهدی صدر	شهید مفتوح ۳۰
تالار	
تالار مرجان	نبش شهید مفتوح ۲
مراکز تجاری	
پاساژ حسین	بین شهید مفتوح ۲۰ و ۲۲
پاساژ ابوریحان	بولوار ابوریحان
پاساژ بزرگ فردوسی	میدان شهید مفتوح



گفت و گو با دانشجوی ورزش کار محله پنجتن آل عبا که قرار است مخترع شود

## قهرمان کیک بوکسینگ به دنبال نام آوری

هم محلی

دیپلم تصمیم گرفتم ادامه تحصیل در رشته معماری باشد. ۲ سال در دانشگاه در رشته معماری درسم را ادامه دادم؛ ۲ سالی که با حضور در کلاس های تخصصی معماری استادشاهی، انگیزه بیشتری برای ادامه تحصیل پیدا کردم. چون دانشجوی پیگیر و درس خوانی بودم، توجه این استاد به من بیش از دیگر دانشجویان بود. گاه حتی اگر در تهیه کتاب های تخصصی به مشکل بر می خوردم، ایشان محبت کرده و کتاب را برایم تهیه می کردند. در هر زمانی هم که به مشورت نیاز داشتم، در بیغ نمی کردند. محبت ها و تشویق هایی که زمینه ای برای ادامه تحصیلم در مقطع کارشناسی ارشد شد.

### ● قهرمانی در کیک بوکسینگ

می دانستم ورزش کار هم هست. خودش می گوید: یکی از ورزش هایی که بیشتر مناطق حاشیه شهر به سرافش می روند و معمولا در آن موفق هستند، رشته های رزمی است؛ ورزش رزمی را از باشگاه صاحب الزمان (عج) محله پنجتن و مربیگری آقای خورشید شروع کردم. مربی ام وقتی استعدادم را در این رشته دید، گفت: «جمعه ها هم برای تمرین خصوصی سر تمرینات بچه های حرفه ای تر حاضر شوم». آن سال در مسابقات استانی سال ۹۱ شرکت کردم و موفق به کسب مقام اول در درجه نوجوانان شدم. یک سال بعد موفق به حضور در مسابقات کشوری شدم و رتبه دوم مسابقات کیک بوکسینگ در درجه جوانان را کسب کردم. همان سال در رده سنی خودم به لحاظ فنی بهترین مبارز شناخته شدم. اکنون هم در باشگاه آستانز بر نظر استاد اولیه ام آقای خورشید تمریناتم را ادامه می دهم.

محمدرضا مکتبی می کند و توفقی کوتاه پیش می آید، تا از ماجرای تعریف کند که در صورت محقق شدن می توانست تأثیر زیادی در آینده فعالیت های ورزشی اش داشته باشد؛ بارها گفته بودند که شایستگی حضور در تیم ملی را دارم و قرار بود به تیم ملی دعوت شوم، اما این اتفاق نیفتاد. علتش هنوز هم برای خودم مشخص نیست.

### ● اختراعی برای خانم های خانه دار

این جوان پر تلاش و ورزش کار محله پنجتن آل عبا، این روزها در کنار کار و درس و ورزش در اندیشه ثبت یک اختراع است؛ اختراعی که بیشتر به کار خانم های خانه دار می آید: یکی از دغدغه های خانم های خانه دار، سررفتن محتویات ظرفی است که روی شعله گاز است و اینکه خاموش شدن شعله سبب پخش گاز در فضای خانه شود. اکنون بایکی از استادان در حال بررسی و تحقیق روی اختراعی هستیم که با ساخت آن، قبل از سرریز شدن محتویات ظرف، جریان گاز قطع شود. محمدرضا که از هشت سالگی در حرفه های مختلف خیاطی، مکانیکی و... کار کرده است و الان در شرکتی به عنوان حسابدار فعالیت می کند، هنوز به معماری می اندیشد. او معتقد است اگر در جامعه هر کسی در جایگاه خود باشد و متناسب با تخصص و حرفه اش گام بردارد، بی تردید موفقیتش حتمی است. ■

همیشه آدم هایی هستند که در سخت ترین شرایط زندگی، با حرفه ها و کردارشان به آدم امید می دهند. آن هایی که با بودنشان در کنار، بذرا امید و آرزوهای بلند و گاه دست نیافتنی را در دل می کارند. این آدم ها حتی اگر در کشاکش روزگار و در متن اجتماع برای همیشه گم شوند، اما یادشان تا ابد در دل ما مانده خواهد ماند؛ درست مثل معلمانی که با شیوه درست و شناخت و پرورش استعدادها، دانشجویانی به حق دانش جو و آینده سازانی کار بلد تربیت کرده اند. محمدرضا حسینی، دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، یکی از جوان های آینده دار منطقه و از این دست جوان هاست. کسی که در کنار کار و درس و دانشگاه موفقیت های تحصیلی، ورزش را فراموش نکرده است. قهرمانی در رشته کیک بوکسینگ از افتخارهای امروز این جوان محله پنجتن آل عباس است.



### ● جامانده از تحصیل در مدارس نمونه دولتی

آخرین فرزند و تک پسر خانواده هشت نفره بودم. شرایط سخت زندگی از دلایل بی میلی برخی بچه های این قسمت از شهر به تحصیل و ادامه دادن آن است. رفتن به سرکار و استقلال مالی اولویت بیشتر پسر هاست. سال پنجم چون شاگرد اول کلاس مان بودم، از طرف مدرسه برای آزمون استعداد های درخشان معرفی شدم. در آن آزمون رتبه خوبی کسب کردم، اما چون برای حضور در این مدارس باید به منطقه ای دیگر می رفتم، هزینه های سرویس و وسعتی رفت و آمد من را از این راه بازداشت.

### ● طالب معماری بودم، طراحی خواندم

علاقه زیادی به معماری داشتم، اما متأسفانه در هنرستان مرشدیان رشته معماری تدریس نمی شد. برخلاف میل رشته طراحی داخلی را انتخاب کردم. سال آخر هنرستان توجه و محبت های یکی از دبیر ها به نام مهندس قدماهی برای ادامه تحصیل و رفتن به دنبال آنچه روزی آرزویم بود، یعنی مهندسی معماری، انگیزه بسیاری به من داد. ایشان که کارمند بنیاد مسکن بودند از من و یکی دیگر از دوستانم خواستند برای گذراندن دوره ۲۴۰ ساعت کارآموزی در کنار ایشان باشیم. در این دوره همراه با مهندس برای نقشه برداری به روستاها و شهرستان های اطراف مشهد می رفتیم. وقتی همراه با استادان به روستا می رفتیم و روستاییان من را هم که دانش آموزی بیش نبودم، «آقای مهندس» خطاب می کردند، در کنار معلمی دلسوز بودن و آن احترام و بزرگ داشت، حس خوبی به من می داد. از همان زمان بود که تصمیم گرفتم درسم را ادامه دهم.

### ● آدم های انگیزه بخش زندگی

همان حس خوب بزرگ دیده شدن و آقای مهندس گفتن ها و محبت های معلم دلسوز، انگیزه ای شد برای ادامه تحصیل محمدرضا در رشته ای که از بچگی به آن علاقه مند بود: بعد از گرفتن

اگر در جامعه هر کسی متناسب با حرفه اش گام بردارد، موفقیتش حتمی است



## اهدای ۱۲ مجموعه جهیزیه به همت نیکوکاران انصار الهادی (ع)

# عروسی خوبان

در محله

۵۹  
سیرجانی

چهارشنبه‌ای که گذشت در خیریه محله طلاب به بهانه میلاد مبارک امام حسن عسکری (ع) جشنی خاص و ویژه برپا بود. اهدای ۱۲ مجموعه جهیزیه نو عروس و تازه دامادهای نیازمند و درعین حال آبرودار. مدعوین این جشن، عروس و دامادهای متقاضی جهیزیه بودند؛ البته با یکی دو نفر از اقوام درجه یک و خیرانی که برای دیدن نتیجه خیرشان به این مراسم دعوت شده بودند و ما همراهشان بودیم برای ادای رسم همسایگی و انعکاس این گزارش.



### ● دعوت برای عروسی

انتهای بولوار ابوریحان به سه راهی مجلسی که می‌رسید، حاشیه خیابان وانت‌بارها پارک شده بودند. ریشه‌های رنگی سرد خیریه و بوی عود و اسپند که فضا را پر کرده است، نوستالژی و یادآور عروسی‌های قدیم است. مدیر خیریه انصار الهادی (ع) در میان آمدن و رقص و دغدغه برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم، چند دقیقه‌ای وقت می‌گذارد و توضیحاتی در این باره می‌دهد: از مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌های مددجوی ما که دختر و پسر دم‌بخت دارند، تهیه جهیزیه است. باتوجه به تحقیقاتی که در ابتدای عضویت انجام می‌شود، خیلی از این عزیزان حتی قادر به پرداخت قبوض آب و برق و گاز خود نیستند. از همین رو هیت مدیره مصمم می‌شود، ملزومات یک زندگی ۲ نفره را برای خانواده‌های متقاضی تهیه کند.

صابری در حالی که به همکاریانش توصیه می‌کند بخش پذیرایی از میهمانان مدیریت شده باشد تا کسی از قلم نیفتد، ادامه می‌دهد: در طول سال با توجه به تقاضاهایی که هست حدود ۵ تا ۶ نوبت مراسم اهدای جهیزیه داریم؛ یعنی بعد از گذر از مرحله تقاضا و ثبت نام مددجو، نوبت تحقیقات است. وقتی تعداد این عزیزان به ۱۲ تا ۱۵ نفر برسد، اقلام تهیه می‌شود و در نخستین مناسبت میلاد یا جشنی که در پیش رو داشته باشیم، اهدای جهیزیه‌ها با حضور جمعی از خانواده‌ها و خیران برگزار می‌شود. به گفته مدیر خیریه انصار الهادی (ع) حفظ آبروی مددجویان برای تک‌تک اعضای این مجموعه اهمیت دارد؛ از همین رو سعی می‌شود به جز خیرانی که حضورشان در کارهای این چنینی تأثیرگذار است، میهمان غریبه در مراسم نباشد.

### ● شادی در شب میلاد

عقر به‌ها هر چه به ساعت یک ظهر نزدیک می‌شود، تعداد مدعوین هم بیشتر به چشم می‌آید. سمت راست سالن بزرگ پذیرایی صندلی‌هایی برای نشستن مدعوین و سمت چپ جهیزیه‌ها مرتب چیده شده است؛ یخچال، گاز، تلویزیون، قالی و بخاری‌های یک‌شکل باروبان‌های تزئین شده. سمت آقایان شلوغ‌تر است. اسدی، ملاح خیریه، پرشور در وصف یازدهمین امام (ع) و شب میلادش مولودی می‌خواند و مدعوین با دست زدن او را همراهی می‌کنند.

### ● غافل گیر شدم

یکی از مددجویان، دختر جوان بیست‌ساله‌ای است که برق شادی در چشم‌هایش دیده می‌شود. سعیده یک‌ساله بود که پدرش را از دست داد و سال قبل هم مادرش به رحمت خدا رفت؛ آخرین فرزند خانواده هفت‌نفره هستم. تمام خواهر و برادرهایم ازدواج کرده‌اند. چون به شدت تنها شده بودم، چند ماه بعد به اصرار خانواده ازدواج کردم.

سعیده که خانواده‌اش سال‌هاست زیر پوشش این خیریه هستند، ادامه می‌دهد: خانواده همسرم از همان ابتدا اصرار داشتند زندگی مشترکمان را شروع کنیم، اما برای من تهیه جهیزیه به این سرعت ممکن نبود، تا اینکه هفته قبل از سر استیصال آمدم و بعد از صحبت کردن و گفتن شرح حال، تقاضای نامه‌ای نوشتم. در حالی که تصورم را هم نمی‌کردم در فهرست قرار بگیرم، ۲ روز قبل تماس گرفتند و برای مراسم دعوتم کردند.

### ● خوش حالم که دخترم سرافکنده نیست

مادر یکی از عروس خانم‌ها در حالی که صورتش را محکم گرفته است، می‌گوید: ۷ سال قبل همسر عمرش را به شما داد و من را با چند بچه قدونیم‌قد تنها گذاشت، تنها دغدغه‌ام سیر کردن شکم آن‌ها بود. برای همین در کارخانه‌ای مشغول به کار شدم که بعد از چند سال به علت پایین آمدن تولید، کارخانه تعدیل نیرو کرد و من هم بیکار شدم. از همان زمان با سبزی پاک‌کردن و تشری درست کردن و گاهی کار در کارخانه روزگار می‌گذرانیم.

او ادامه می‌دهد: با آمدن خواستگار برای دخترم، چون جوان خوبی بود جواب دادم، اما نتواند گرانی از جور نشدن جهیزیه و سرافکنندگی دخترم بود که از طریق آشنایی با این خیریه و بعد از تحقیقات محلی، گفتند شما واجد شرایط دریافت جهیزیه هستید. شور و حال خوبی در سالن برپاست. مولودی خوانی که گاه با دست زدن و گاه با ذکر صلوات همراه است، طنین خاصی به محفل می‌بخشد. حضور خیران و نیکوکاران که در شادی نو عروس‌ان و تازه دامادهای مددجو سهیم هستند، به گفته مدیریته خیریه سبب دل‌گرمی و قوت قلب خادمان و مددجویان است.

### ● شیرینی حس و حال نیکوکاران

حاج محسن فرهنگی، پسریکی از بنیان‌گذاران مؤسسه که پای ثابت مراسم هاست، می‌گوید: برنامه کمک و اهدای جهیزیه به خانواده‌های نو عروس و نو داماد در تمام سال‌های فعالیت به اشکال مختلف برقرار بوده است، اما یکی دو سالی است که با مدیریت جدید منسجم و برنامه‌ریزی شده پیش می‌رود و در قالب جشن و مولودی خوانی برگزار می‌شود. حاج محسن قدم برداشتن در کارهای خیر را میراث‌گران‌بهایی از پدر مرحومش می‌داند و ادامه می‌دهد: کار خیر، حس و حال خوب و رضایت‌بخشی را به دنبال دارد که همیشه پای آن نگاهت می‌دارد. مراسم مولودی خوانی و پذیرایی شربت و شیرینی رویه پایان است. حواله‌ها یکی یکی به عروس و دامادهای حاضر در جشن داده می‌شود تا بعد از صرف ناهاری که از سوی خیریه تدارک دیده شده است، برای گرفتن جهیزیه به سالن برگردند.

## آی خبر

در جلسه شورای اجتماعی محله پنجمین مطرح شد

# ایجاد بازارچه دائم در بوستان ارم

۱۰

ندا معصوم/ پنجمین جلسه شورای اجتماعی محله پنجمین با محوریت اختصاص فضایی از بوستان ارم به بازارچه دائم برگزار شد.

به گزارش شهرآرامحله، باتوجه به اهمیت موضوع اشتغال، این طرح از زمان برگزاری جلسات شورا در دوره جدید به مشورت گذاشته شد.

جرقه اصلی از جایی روشن شد که یکی از نماینده‌ها بهره‌مندی مطلوب از زمین رها شده و مجاور با فرهنگسرای انقلاب را برای بازار فروش مطرح کرد. پیشنهادی که با استقبال همراه بود و نماینده‌ها خواستار پیگیری آن شدند. در جلسات بعدی اعضای حاضر در جلسه خواستار این بودند که بازارچه دائم باشد.

نبی‌زاده، رئیس ناحیه ۳، با این توضیح که زمین اشاره شده متعلق به سازمان زمین و مسکن است، گفت: این مالکیت، حق اختیار ما را سلب می‌کند، در حالی که اجرای طرح‌های دائم نیاز به بسترهای مطالعاتی گسترده دارد و نمی‌توان به این راحتی تصمیم گرفت و آن را اجرایی کرد.

در کش و قوس نظرهای نماینده‌های محله و رئیس شورا، طرح به آنجا رسید که از فضای مقابل بوستان ارم که فاصله زیادی با فرهنگسرای انقلاب ندارد، به این منظور استفاده کنند و بازارچه دائمی باشد.

### ● شرایط ورود یکسان است

امیر هودانلو، رئیس شورای محله پنجمین، با توضیح کوتاهی مبنی بر اینکه شرایط ورود و استفاده از این امتیاز برای عموم داوطلبان یکسان است، گفت: به علت حفظ آبرو و عزت‌نفس خانواده‌های نیازمند و سرپرست‌خانوار، اجازه اشتغال به عموم مردم داده شود، تا این باور شکل نگیرد که تمام افراد فعال در این حوزه شرایط خاصی دارند.

### ● مهارت‌آموزی به نوجوانان

وظیفه‌دان، نماینده بانوان حاضر در جلسه، نیز با اشاره به این موضوع که علاوه بر بچه‌های کار که تحصیل را کنار گذاشته‌اند و برای به دست آوردن درآمد تلاش می‌کنند، گفت: بیشتر خانواده‌ها به کارآموزی فرزند نوجوانشان اشتیاق دارند، اما فضایی مناسب و مطمئن را پیدا نمی‌کنند و بهتر است با جذب و دعوت از افرادی که در حوزه باغداری و کشاورزی فعال هستند، آن‌ها را به میدان آورد و از تجربه‌های آن‌ها استفاده کرد.

### ● مزرعه کوچک برای کارگران کوچک

وی ادامه داد: این موضوع در زمستان که فصل کاشت و برداشت تمام شده است و وقت استراحت کشاورزان است، بیشتر کارایی دارد.

وظیفه‌دان همچنین طرح «مزرعه کوچک و کارگران کوچک» را با این توضیح کوتاه ارائه کرد: کودکان عاشق بازی با آب و خاک هستند و این بهترین فرصت یادگیری الفبای کشاورزی برای آن‌هاست. وی پیشنهاد کرد که در صورت محقق شدن این موضوع، بازار را به بومی‌های منطقه اختصاص دهیم.

### ● حمایت از توان‌یابان

رئیس شورا با اشاره به این موضوع که باید هدفمند و با برنامه‌ریزی پیش رفت، گفت: موضوع، پرکردن فضای پیش‌بینی شده نیست؛ بحث برسر استفاده بهینه از آن است.

هودانلو با استقبال از پیشنهاد دعوت از کشاورزان به جلسه گفت: حتی می‌توان با اختصاص فضایی به فروش تولیداتشان، آن‌ها را ترغیب به شرکت و همکاری در این مجموعه کرد.

وی یادآور شد: اعضا به صورت گروهی برای شناسایی افراد مستعد و جویای کار تلاش کنند و نتایج آن را در جلسه مطرح کنند.

هودانلو همچنین از مجتمع محمدیه که به معلولان اختصاص دارد، یاد کرد و گفت: برخی از ساکنان این مجموعه توان‌یابانی صاحب‌فکر و خلاق هستند و برخی‌هایشان تولیدات هنری و دستی دارند که می‌توان از این فرصت به نفع آن‌ها نیز استفاده کرد.



**محلات منطقه ما:** طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد و حید، ابوذری، میثم شمالی، پنجتن، شهید قربانی پنج تن آل عبا

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد  
مدیر مسئول: شهرآرامحله: مجید خرمی  
سر دبیر: شهرآرامحله: رضا سلیمان نوری  
دبیر منطقه: معصومه فرمانی کیا  
مدیر منطقه: شهرآرامحله: مهرداد عبدلی  
تلفن دفتر شهرآرامحله منطقه: ۳۲۷۰۰۹۲۸  
نشانی: دانشگاه یک

تلفن دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱-۵  
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰  
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰  
شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹  
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرامحله: میدان شهدا  
نشانی: دانشگاه یک

دفتر شهرآرامحله منطقه ۴: انتهای ابوریحان  
مقابل بیمارستان هاشمی نژاد  
پست الکترونیک: shahrara.ir@mahalle4@shahrara.ir  
کانال شهرآرامحله: @ShahraraMahaleh  
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir

آخرین خبر

## حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱۱ و پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ یا ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

## خطر در کمین دانش‌آموزان استثنایی

**تقی‌زاده:** پروژه جدول‌گذاری در خیابان آفرینش، حدفاصل آفرینش ۵ و ۷ به‌کندی پیش می‌رود. این در حالی است که در این محدوده مدارس استثنایی «آفرینش» و «ایثار» هستند و احتمال خطر برای دانش‌آموزان هست. لطفاً به پیمانکار مربوط برای تسریع انجام کار تذکر داده شود.

**جوابیه ۱۳۷:** اخطار لازم به پیمانکار مربوط برای تسریع در کار داده شد.

## فجر در سالن هاشمی‌نژاد

۰۹۰۲۰۰۳۶۰۰: بهمین و جشنواره فیلم فجر نزدیک است. این در حالی است که سالن هاشمی‌نژاد به‌عنوان یکی از بزرگترین ظرفیت‌های محله طلاب می‌تواند به‌اگران بخشی از فیلم‌های جشنواره اختصاص یابد.

## پل هوایی وحید آسانسور ندارد

**خیباز:** پل هوایی انتهای خیابان وحید نیاز به آسانسور دارد؛ چرا که توان‌یابان برای عبور از عرض بزرگراه باید تا ابتدای پل فجر بروند تا بتوانند از رمپ زیرگذر عبور کنند. باتوجه به وجود ۲ ایستگاه اتوبوس و تردد مردم، نیاز به آسانسور بیشتر احساس می‌شود.

## جای خالی گشت شبانه در طبرسی

**فخاری:** طبرسی ۲۳، خوش‌بین ۶، شب‌ها از ساعت ۱۱ به بعد خیلی شلوغ می‌شود و گاهی درگیری‌هایی پیش می‌آید. در حالی که نیروی انتظامی نه گشتی دارند و نه برخوردی. بهتر نیست برای امنیت بیشتر گشت شبانه حضور داشته باشد؟



افزایش محلات شهرداری منطقه ۴ به ۱۱ محله

**رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۴:** از افزایش شورای اجتماعی محلات این منطقه به ۱۱ محله از ابتدای آذرماه امسال خبر داد.

به گزارش شهرآرامحله، رمضانعلی امیردادی با اعلام این خبر افزود: براساس دستورالعمل دبیرخانه شورای اجتماعی محلات شهرداری مشهد، در فرایند شوراهای جدید با تقسیم محله تلگرد، از ابتدای آذرماه محلات این منطقه از ۱۰ محله به ۱۱ محله افزایش یافته است و بر همین اساس جلسه‌های شورا با حضور نماینده‌های منتخب برگزار می‌شود.

وی در ادامه گفت: براساس همین دستورالعمل اسم محله ابوذری به فجر، میثم به رده و پنجتن آل عبا به التیمور تغییر کرد.

رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه یادآور شد: بر این اساس منطقه ۴ دارای ۱۱ محله با عنوان‌های طلاب، ایثار، وحید، فجر، تلگرد، پنجتن، التیمور، رده، شهید قربانی، کوی مهدی و گلشور است که اعضای شورای اجتماعی این محلات از طریق انتخابات مجمع داوطلبی انتخاب شدند. ■



آسیب فاضلاب‌های خانگی به تأسیسات شهری

**شهردار منطقه ۴:** فاضلاب‌های خانگی که محیطی برای رشد حشرات است، به معابر و تأسیسات شهری آسیب می‌رساند.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، غلامی در نشست که با حضور نمایندگان از مراکز بهداشت، آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی، آب و فاضلاب و اداره دامپزشکی برگزار شد، ادامه داد: برای حفظ سلامت شهروندان، از راه‌سازی فاضلاب خانگی در معابر و کانال‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی جلوگیری کنیم. وی خاطر نشان کرد: در غیر این صورت علاوه بر مشکلات بهداشتی، محیطی برای رشد جانوران موذی مانند موش در کانال‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی فراهم خواهد شد که به تأسیسات شهری نیز آسیب‌های جدی وارد می‌کند. غلامی یادآور شد: به همین دلیل از ابتدای سال اقدامات بازدارنده‌ای مانند صدور اخطار به‌برای متخلفان انجام شده و علاوه بر آن ۱۰۰ پرونده برای آن‌ها تشکیل و به مراکز بهداشت و مراجع قضایی ارسال شده است. شهردار همچنین خاطر نشان کرد: برای رفع کامل آب‌آفتادگی معابر هنگام بارندگی و بهبود عملکرد کانال‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی، ۱۲ هزار مترطول از این کانال‌ها لای‌روبی شده است. ■



تخلیه و پلمب ۳۱ انبار ضایعات

**رئیس اداره خدمات شهری از پلمب و تخلیه ۳۱ انبار ضایعاتی منطقه که باعث آلودگی محیط زیست بوده‌اند، خبر داد.**

احمد پوریایی گفت: به منظور برخورد قانونی با مشاغل آلاینده، مزاحم و پرخطر و جلوگیری از آلودگی‌های بهداشتی و زیست‌محیطی، انبارهای ضایعات منطقه شناسایی و پلمب می‌شوند.

وی به این موضوع اشاره کرد که هیچ انبار ضایعاتی نباید در داخل شهر فعالیت داشته باشد؛ در غیر این صورت پس از بازدید کارشناسان کمیسیون بند ۲۰ جمع‌آوری و پلمب خواهد شد. او همچنین از شناسایی ۱۲۰ انبار ضایعات از طریق گشت‌زنی و گزارش‌های مردمی خبر داد.

پوریایی یادآور شد: ۳۱ انبار ضمن صدور اخطار به‌با استناد به بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها تخلیه و پلمب شده است.

وی گفت: ۷ انبار ضایعات در منازل مسکونی بود که با توجه به حجم زیاد ضایعات در این مکان‌ها و ایجاد آلودگی و مشکلات بهداشتی برای شهروندان، براساس دستور مقام قضایی این منازل به سرعت تخلیه شدند. ■



مردمک

خستگی چه خوب است  
وقتی دنیا را  
به هوای تماشای پاییز  
بی‌خیال می‌شوی

بوستان ارم

۱۴

مهدی شکوری  
دریافتی